

مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۲۵

علی محمدی جورکویه*

چکیده

جامعه بشری جامعه‌ای پویا، در حال حرکت، دگرگونی، پیشرفت و تازه شدن در ابعاد و مساحت‌های گوناگونی است. لازمه جدایی‌ناپذیر این پویایی و حرکت مداوم، ظهور و بروز پدیده‌های جدید و به تبع آن برخی حوادث، آسیب‌ها و مشکلاتی است که گاه به شکل فزاینده و خطرناکی دامن‌گیر جامعه انسانی می‌شود. یکی از رخدادهایی که گاه و بیگاه جامعه بشری را تهدید می‌کند، بروز بیماری‌های جدیدی است که به صورت طبیعی یا با دستکاری و دخالت بشر پدید آمده و زندگی و سلامت افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد. انتقال سهوی یا عمدی بیماری خواه به مباشرت باشد یا تسبیب، موضوع بیماری‌ها را که غالباً منشأ طبیعی دارند، ابعاد حقوقی بخشیده است. در تحقیق حاضر تلاش شده است با استفاده از منابع و متون فقهی و حقوقی، ابعاد گوناگون مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس به دیگری، تبیین گردد. طبق ضوابط و قواعد عمومی باب ضمان، انتقال بیماری یا ویروس خطرناک مانند کرونا یا ایدز به دیگری، به مثابه ایراد صدمه به دیگری است و می‌تواند ایجادکننده رابطه استناد و مسئولیت باشد. مطابق تعریف جنایات، انتقال بیماری می‌تواند عناوین جنایات عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض را در فروع گوناگون مسئله، محقق سازد؛ هر چند اثبات رابطه انتساب در مقام دادرسی در مواردی مانند انتقال ویروس کرونا که دوره نهفته و کمون نسبتاً طولانی دارد، امری بسیاری سخت است.

واژگان کلیدی: انتقال بیماری، مسئولیت مدنی، دیه، مسئول پرداخت دیه، استناد جنایت.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (amg134325@yahoo.com)

مقدمه

یکی از شاخه‌های بسیار مهم فقه و حقوق کیفری، جرایم بر ضد تمامیت جسمانی انسان است که بر اساس رکن روانی به سه نوع جرم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض تقسیم می‌گردد که مسئولیت ناشی از این جرایم به حسب نوع آن، متفاوت است. لازمه تحقق هریک از این جرایم، احراز انتساب آن به متهم است که تشخیص آن در برخی موارد به‌ویژه در جرایمی که به تسبیب واقع می‌شوند، امری دشوار، تخصصی و بسیار پیچیده است. آنگاه که کسی سنگی را به سوی دیگری پرتاب می‌کند و سنگ به فرد مورد هدف اصابت می‌نماید، احراز انتساب صدمه حاصل از پرتاب این سنگ به پرتاب‌کننده، روشن است، ولی در بسیاری از مصادیق جرایم بر ضد تمامیت جسمانی (جنایت بر نفس و کمتر از نفس) احراز رابطه انتساب به وضوح و سادگی مثال سابق نیست. یکی از موارد دشوار احراز رابطه انتساب، جایی است که شخصی که به یک بیماری واگیردار و مسری مبتلا شده است، به‌جهتی مانند تماس با دیگری این بیماری را به او منتقل کرده و او را دچار آسیب می‌سازد. این آسیب گاه در سطح یک بیماری یا ابتلا به ویروس ساده بوده و به‌راحتی قابل درمان است مانند ویروس سرماخوردگی ولی گاه بیماری سخت و شدید بوده و به دشواری و با هزینه بالا درمان می‌شود، گاه بیماری باعث نقص عضو یا منفعت می‌شود و گاه نیز باعث فوت می‌گردد مانند ویروس ایدز یا آنفولانزا و کرونا. انتقال این بیماری یا ویروس گاه فقط از طریق تماس مستقیم و بی‌واسطه و گاهی از طریق تماس غیرمستقیم و باواسطه است؛ مانند تماس داشتن فرد با هرچیزی که بیمار مبتلا به ویروس قبلاً با آن تماس داشته است. همچنین انتقال این بیماری می‌تواند از طریق هوا یا با انتقال فرآورده‌های خونی فرد مبتلا باشد. در تمامی این فروض ممکن است شخص مبتلا از بیماری خود اطلاع داشته باشد یا خیر و نیز شخصی که بیماری به او منتقل شده است، خود، تدابیر و اقدامات ایمنی را رعایت کرده باشد یا خیر. علاوه بر موارد مزبور وجود یا فقدان بیماری‌های زمینه‌ای در شخصی که ویروس به او منتقل شده است، همگی در نحوه

انتساب و میزان مسئولیت شخصی که بیماری از او به دیگران منتقل شده، تأثیرگذار است و داوری در این موارد را مشکل می‌سازد. در نوشته حاضر سعی بر آن است با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی گوناگون مسئله انتقال بیماری یا ویروس واگیر، صرفاً به مسئولیت کیفری انتقال‌دهنده بیماری پرداخته شود.

۱. منجر به مرگ‌شدن بیماری یا ویروس

ابتلا به برخی بیماری‌ها یا ویروس‌ها ممکن است در فاصله کم یا زیاد از زمان ابتلا، منجر به مرگ فرد مبتلا گردد؛ براین‌اساس این پرسش مطرح می‌گردد کسی که دیگری را به این بیماری یا ویروس دچار می‌کند چه مسئولیتی دارد؛ آیا رفتار فرد انتقال‌دهنده بیماری یا ویروسی مثل کرونا مانند رفتار فردی است که به دیگری ضربه یا جرحی وارد می‌کند که منجر به مرگ او می‌گردد یا خیر، متفاوت با آن است؟ در این جا اصل انتساب صدمه وارده به ناقل بیماری یا ویروس از نظر فقها محرز می‌باشد چنان‌که در ادامه بحث روشن می‌گردد؛ بنابراین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تأیید همین نظر در ماده ۴۹۳ مقرر داشته است:

وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده ۴۹۲ همین قانون در مورد تمامی جرایم جاری است. گفتنی است اگرچه برخی استفتائات مورد استناد در پاسخ به پرسش درباره انتقال ویروس ایدز، علم و اطلاع یا عدم علم و اطلاع فرد مبتلا به ایدز از ابتلای خود است اما تفاوتی نمی‌کند نوع ویروس ایدز باشد یا کرونا یا هر بیماری واگیر دیگر؛ زیرا اگر فقها در بحث انتقال ویروس ایدز که کشنده است و فاصله میان ابتلای به آن و مرگ فاصله طولانی است انتساب و مسئولیت فرد ناقل را بپذیرند به طریق اولی درباره انتقال بیماری واگیر یا ویروس دیگری که فاصله میان ابتلای به آن و بروز آسیب - اعم مرگ یا نقص عضو و منفعت کمتر است - انتساب و مسئولیت فرد ناقل پذیرفته است و نیز در پرسش از نقش علم و اطلاع، مرکز ثقل پرسش روی علم و اطلاع فرد ناقل از وضعیت خود است و نوع بیماری یا ویروس تفاوتی نمی‌کند؛ براین‌اساس این نظرات

فقهی درمورد انتقال هریک از بیماری‌های واگیر و ویروس قابل توجه و استناد است. اکنون که امکان انتساب صدمه وارده به ناقل بیماری یا ویروس وجود دارد، این صدمه به اقتضای چگونگی رکن روانی آن می‌تواند مشمول یکی از بندهای مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ ق.م.ا؛ یعنی جنایت عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض گردد. توضیح بیشتر اینکه اگر ناقل به قصد ایراد جنایت و به عمد ویروس را منتقل کند یا به عمد ویروس نوعاً خطرناک را منتقل کند یا به عمد ویروس را به فرد دارای بیماری زمینه‌ای که نوعاً برای او خطرناک است منتقل کند و جنایتی رخ دهد جنایت عمدی است و اگر ناقل بدون قصد ایراد جنایت ویروس نوعاً غیرخطرناک را به عمد به دیگری منتقل کند و جنایتی رخ دهد، جنایت شبه‌عمدی است و اگر ناقل بدون قصد ویروس را به دیگری منتقل کند و جنایتی رخ دهد جنایت خطای محض است، اما از آنجاکه برابر نظر متخصصان ویروس کرونا در بیش از هشتاد درصد موارد مشکل جدی برای فرد مبتلا ایجاد نمی‌کند و در بیست درصد دیگر نیز در حدود هفده یا هیجده درصد خطر مرگ ندارد؛ بنابراین نمی‌توانیم آن را ویروس کشنده بدانیم؛ بنابراین انتقال عمدی آن بدون قصد قتل نمی‌تواند مشمول بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا. باشد.

گفتنی است خطرناک بودن بیماری یا ویروس بدین معناست که باعث مرگ یا نقص عضو یا منفعتی ولو موقت در انسان گردد.

اما به نظر می‌رسد در ارائه پاسخ تفصیلی به این پرسش باید فروض مختلف این بحث از قبیل علم و عدم علم فرد ناقل ویروس به کشنده بودن آن، اطلاع و عدم اطلاع فرد از ابتلای خود به این ویروس، وجود بیماری زمینه‌ای در منتقل‌آلیه، نقش و اقدام فرد در مبتلا شدن یا اقدام فرد ثالث در برپایی اجتماع یا جمعی برای ارتباط فرد ناقل با منتقل‌آلیه را از یکدیگر تفکیک کرد.

۱.۱. علم و عدم علم به کشنده بودن ویروس

فردی که ویروس خطرناک را به دیگری منتقل می‌کند، امکان دارد بداند این ویروس خطرناک است یا چنین علمی نداشته باشد که وجود این علم یا عدم آن می‌تواند روی نوع مسئولیت او تأثیرگذار باشد.

۱.۱.۱. علم به خطرناک بودن ویروس

در صورتی که فرد مبتلا به ویروس بداند ویروس خطرناک و نوعاً باعث مرگ است، چنانچه از روی عمد ویروس را به دیگری منتقل کند، فقهای امامیه با توجه به تقسیم‌بندی جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص و تعاریف صورت‌گرفته از آن در منابع و متون فقهی، رفتار این فرد را مانند کسی می‌دانند که رفتار نوعاً باعث جنایت را به عمد نسبت به دیگری انجام دهد و آن را در ردیف جنایت عمدی ارزیابی می‌کنند (ر.ک: آیات عظام محمدتقی بهجت، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۸۱۲۱ / آیات عظام محمدتقی بهجت، سیدعلی خامنه‌ای و محمد فاضل لنکرانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۹۰۹۴ / آیات عظام محمدتقی بهجت، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۷۹). چنان‌که بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره دومین معیار جنایت عمدی مقرر داشته است:

هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً باعث جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً باعث آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

اما چنان‌که گفتیم ویروس کرونا نوعاً کشنده نیست؛ بنابراین انتقال آن مشمول بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا. نمی‌گردد.

آری! اگر ویروس نسبت به افراد عادی خطرناک نباشد ولی برای افرادی که دارای بیماری زمینه‌ای نوعاً خطرناک و باعث مرگ باشد برای مثال متخصصان می‌گویند که ویروس کرونا برای افراد دارای دیابت یا سن بالا خطرناک است و ناقل با علم به آن، ویروس را به چنین فردی منتقل کند، مشمول جنایت عمدی است؛ چنان‌که بند پ ماده ۲۹۰ ق.م.ا. اسلامی مقرر داشته است.

۱.۱.۲. عدم علم به کشنده بودن و بروس

در صورتی که ناقل ویروس، علم به نوعاً کشنده بودن آن نداشته باشد، امکان دارد انتقال ویروس از روی عمد یا غیرعمد باشد. در فرض انتقال عمدی، چنانچه قصد کشتن وجود داشته باشد، سه نظر میان فقهای معاصر دیده می‌شود:

نظر اول: برخی فقها آن را به دلیل وجود ضابطه قتل عمدی، عمد و موجب قصاص می‌دانند (ر.ک: آیات عظام محمدتقی بهجت و سیدعلی خامنه‌ای، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۹۰۹۴).
نظر دوم: بعضی دیگر از فقها به شرط اینکه فاصله زمان انتقال و فوت نسبتاً کوتاه باشد، قتل عمدی و موجب قصاص می‌دانند (ر.ک: آیت‌الله العظمی سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۱۷۹).

نظر سوم: یکی از فقها آن را شبه‌عمد و موجب دیه می‌دانند (ر.ک: آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۱۷۹ و ۸۱۲۱).

اما چنانچه قصد کشتن وجود نداشته باشد، قتل شبه‌عمدی و دیه به عهده ناقل است (ر.ک: آیت‌الله العظمی سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۱۷۹ / آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۹۰۹۴)، ولی در صورتی که انتقال آن بدون قصد بوده باشد، به لحاظ عدم قصد فعل و نتیجه مانند اینکه دست فرد مبتلا به ویروس ایدز مجروح و خونی شده باشد و ناگهان دست خونی او با زخم باز منتقل‌آلیه برخورد کرده و ویروس به او منتقل گردد یا ناگهان فرد مبتلا به ویروس کرونا دچار عطسه شده و ویروس به دیگری منتقل شود، رفتار او خطای محض بوده و دیه به عهده عاقله می‌باشد (ر.ک: آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۹۰۹۴)؛ چنانکه طبق تبصره ۲ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی در مورد بند پ این ماده در صورت عدم اثبات آگاهی و توجه مرتکب به نوعاً

کشنده بودن رفتار نسبت به مجنی علیه، جنایت غیر عمدی محسوب می شود.

۱.۲. اطلاع و عدم اطلاع از بیماری

از آنجاکه آلودگی به برخی بیماری ها و ویروس ها مانند کرونا ممکن است تا مراحل اولیه پیشرفت، علائم ظاهری نداشته باشد امکان دارد فردی که باعث انتقال ویروس می شود از آلوده بودن خود یا وسیله به ویروس آگاه باشد یا نباشد که مسئولیت کیفری او در صورت آگاهی و عدم آگاهی متفاوت می باشد. در فرض آگاه بودن، جنبه های مختلف بحث و پاسخ آن، همانی است که در قسمت قبل بیان شد، اما در فرض ناآگاه بودن فرد ناقل، این بحث طرح می شود که چه مسئولیتی متوجه او می شود که سه نظر درباره آن بیان شده است؛ عدم استناد قتل به او (ر.ک: آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹)، خطای محض (ر.ک: آیات عظام محمدتقی بهجت و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹) و شبه عمد (ر.ک: آیات عظام سید عبد الکریم موسوی اردبیلی و ناصر مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹).

به نظر می رسد در انتقال مثل ویروس کرونا موارد متفاوت باشد. چنانچه شخصی که نمی داند مبتلا به ویروس کروناس، اگر رفتاری ارادی نسبت به دیگری انجام دهد؛ مثلاً دست آلوده خود را به سر و صورت دیگری بکشد و او را به ویروس مبتلا کند؛ یعنی قصد فعل نسبت به مجنی علیه را داشته ولی قصد جنایت نسبت به او را نداشته باشد؛ در این صورت جنایت واقع شده شبه عمدی است؛ چون مشمول بند الف ماده ۲۹۱ ق.م.ا. است که می گوید:

جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود:

الف) هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد، نباشد.

اما اگر این شخص بطور غیرارادی در صورت دیگری عطسه کند و او را مبتلا به ویروس کرونا کند؛ یعنی نه قصد فعل واقع شده و نه قصد نتیجه را داشته است، در این صورت جنایت واقع شده خطای محض است؛ چون مشمول بند پ ماده ۲۹۲ق.م.ا. می باشد که مقرر می دارد:

جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می شود:

... پ) جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را؛ مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

۱.۳. امکان یا عدم امکان درمان

یکی از پرسش های مطرح درباره مسئولیت کیفری ناقل ویروس یا بیماری، تأثیر امکان یا عدم امکان درمان و جلوگیری از پیشرفت این بیماری در مسئولیت وی است که از نظر فقهای معاصر، امکان یا عدم امکان آن تأثیری در حکم ندارد (آیات عظام محمدتقی بهجت، محمدفاضل لنکرانی، ناصح مکارم شیرازی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهای قضایی، سؤال کد ۱۷۹).

۱.۳. اقدام منتقل آلیه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر این بحث، نقش فرد منتقل آلیه در انتقال ویروس به اوست؛ برای مثال اگر فردی دستورالعمل های بهداشتی در برقراری ارتباط با دیگران را رعایت نکند و در حالی که نباید با فرد مبتلا ارتباط داشته باشد با او ملاقات نماید یا باید پس از ارتباط با دیگران یا تماس با اشیا دست و صورت خود را بشوید و دست خود را به لب، چشم و بینی خود نزنند اما این امور را رعایت نکرده است و در نتیجه ویروس از فرد مبتلا به وی منتقل شده است، آیا در چنین صورتی نیز فرد انتقال دهنده ویروس یا بیماری واگیر مسئول است یا خیر؟

بر مبنای قاعده اقدام و تحذیر به نظر می رسد که مسئولیتی بر عهده کسی نیست؛

زیرا اگر هشدار لازم داده شده باشد و فردی به جهت بی‌توجهی به هشدار و با اطلاع از خطر خود را در معرض قرار دهد خونس هدر است.

توضیح اینکه در روایت *ابی‌صباح کنانی* از امام صادق آمده است:

كَانَ صَبِيَانٌ فِي زَمَنِ عَلِيٍّ يَلْعَبُونَ بِأَخْطَارِهِمْ، فَرَمَى أَحَدُهُمْ بِخَطَرِهِ، فَدَقَّ رِيعِيَّةَ صَاحِبِهِ، فُرِفِعَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَأَقَامَ الرَّأْيِي الْبَيِّنَةَ بِأَنَّهُ قَالَ: حَدَارٍ حَدَارٍ، فَدَرَأَ عَنْهُ الْقِصَاصَ، ثُمَّ قَالَ: قَدْ أَعْدَرَ مَنْ حَدَّرَ: تعدادی بچه در زمان امیر مؤمنان با سنگ اندازه‌هایشان بازی می‌کردند که یکی با سنگ اندازه‌ش سنگی انداخت و به دندان دوستش اصابت کرد. شکایت را نزد حضرت بردند و کسی که سنگ انداخته بود بینه اقامه کرد که هنگام سنگ انداختن گفته است: هشدار هشدار. امام قصاص را نسبت به او منع کرد سپس فرمود: کسی که هشدار بدهد معذور است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۳۳۱).

این روایت را اگرچه برخی به جهت اشتراک محمدبن فضیل بین تقه، ضعیف و مجهول، ضعیف دانسته‌اند (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۷۰)، ولی دیگران آن را صحیح یا حسن می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۶۹) و به آن در قاعده تحذیر و مسائل آن استناد کرده‌اند.

بر اساس این روایت اگر تحذیر نسبت به کسی صورت بگیرد، با این حال او خود را در معرض خطر قرار دهد و آسیب ببیند کسی مسئول نیست. اگرچه اصل این روایت درباره حادثه است که واقع شده است و برای قضاوت نزد حضرت آمدند و او قضاوت کرد و به بیان دیگر، درباره قضیه خارجی است، ولی به اعتبار عبارت پایانی روایت که امام به یک قاعده کلی ارجاع می‌دهد، روایت از قضیه خارجی بودن بیرون می‌رود و یک حکم کلی را به‌عنوان قضیه حقیقه و قاعده بیان می‌کند که این مورد هم یکی از مصادیق آن قاعده است که اگر کسی هشدار بدهد مسئول نیست و به بیان دیگر، در چنین مواردی رفتار فرد آسیب دیده مشمول قاعده اقدام و اقوئیت سبب از مباشر است؛ بنابراین فقها در این گونه موارد به قاعده اقدام نیز استناد کرده‌اند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۶۸ / خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۲۲۰)؛ بنابراین در مسئله ابتلای فرد به بیماری واگیر یا ویروس از قبیل کرونا از طریق انتقال بیماری یا ویروس از دیگری به او، باتوجه هشدارهای داده شده برای بیرون نیامدن از خانه و رعایت امور بهداشتی از قبیل استفاده از دستکش و ماسک در مکان‌های عمومی

و بسته و رعایت فاصله از یکدیگر کسی مسئول نیست و نمی‌توان فرد ناقل بیماری یا ویروس را مسئول دانست مگر اینکه هشدار لازم داده نشده باشد یا فرد ناچار به بیرون آمدن باشد و تمام شرایط را رعایت کرده باشد؛ چنان‌که فقها در این بحث آن را مطرح کرده‌اند. شهید ثانی در توضیح سخن محقق حلی درباره عدم ضمان در جایی که تیرانداز هشدار داده باشد، می‌گوید: آنگاه ضمان با هشدار دادن از تیرانداز برداشته می‌شود که فرد مقتول یا مصدوم هشدار را شنیده و برایش امکان کناره گرفتن باشد وگرنه جنایت خطای محض است و دیه به عهده عاقله (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۴۱-۳۴۲).

۱.۴. تشکیل اجتماع

یکی دیگر از فروعات مسئله این است کسی که با کسب و کار خود یا با برپایی اجتماعات ورزشی یا مذهبی یا هر اجتماع دیگری منجر به انتقال بیماری و آگیر یا ویروس از فردی به دیگری گردد، چه مسئولیتی دارد؟ آیا برپاکننده اجتماع سبب اقوا از مباشر است یا معاون در انتقال بیماری یا ویروس و یا... یا اینکه هیچ عنوان مجرمانه‌ای بر وی صدق نمی‌کند؟

احتمال اول، سبب‌بودن تشکیل‌دهنده اجتماع: در این موارد چند نفر دخالت دارند؛ کسی انتقال‌دهنده بیماری و آگیر یا ویروس است و شخص دومی که بیماری یا ویروس به منتقل شده است و فرد سومی که اجتماع را تشکیل داده است تا با شرکت ناقل و منتقل‌آلیه در آن اجتماع و ارتباطشان با هم، انتقال بیماری یا ویروس صورت گرفت. در این جا نقش تشکیل‌دهنده اجتماع می‌تواند سبب باشد؛ زیرا در این صورت مباشر این اتفاق فرد ناقل یا شرکت‌کننده در این اجتماع اعم از ناقل و منتقل‌آلیه است و از آنجاکه شرکت‌کنندگان بالغ، عاقل، مختار و مطلع از خطر انتقال بیماری یا ویروس هستند، به طور مسلم نقش مباشر قویتر از نقش سبب است و آسیب مستند به مباشر است و بر اساس نظرات فقهی و نیز ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مسئولیت با مباشر هستند با تفصیلی که در مباحث پیشین گذشت. البته ممکن است سبب با تشکیل اجتماع مقررات ممنوعیت تشکیل اجتماع را نقض کرده باشد که مسئولیت این رفتار خود را باید تحمل کند.

احتمال دوم، معاون بودن تشکیل دهنده اجتماع: تشکیل دهنده اجتماع با فراهم آوردن مقدمات ارتباط ناقل و منتقل‌الیه کمک به انتقال بیماری یا ویروس کرده است؛ بنابراین معاون در این انتقال است، ولی از آنجاکه بر اساس تبصره ماده ۲۶۶ ق.م.ا. در تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد میان مباشر و معاون جرم شرط است و احتمال معاونت در این جا منتفی است. پس معاونت صدق نمی‌کند؛ زیرا متعارف از تشکیل این اجتماعات عدم قصد انتقال بیماری یا ویروس است. به عبارت دیگر قصدی نیست تا وحدت قصد باشد و در جرایم غیر عمدی نیز - که اغلب موارد انتقال بیماری یا ویروس از این قبیل است - اصلاً معاونت در جرم قابل تحقق نیست.

ممکن است گفته شود که در موارد انتقال عمدی، با توجه به علم تشکیل دهنده اجتماع و شرکت کننده به اینکه نوعاً در این اجتماعات بیماری یا ویروس انتقال می‌یابد، وحدت قصد بینشان وجود دارد. البته پذیرش این وحدت قصد در اجتماعاتی که دهها بلکه صدها نفر در آن شرکت می‌کنند و معلوم نیست چه کسی مبتلا و چه کسی سالم است بسیار مشکل است و به طور مسلم، در صورت شک در تحقق جرم به جهت شک در تحقق شرایط آن، اصل بر عدم تحقق جرم است.

۲. ایجاد صدمه کمتر از قتل

در بسیاری از موارد فردی که توسط دیگری مبتلا به بیماری واگیر یا ویروس شده است نمی‌میرد بلکه دچار صدماتی؛ چون نقص عضو یا منفعت می‌شود یا هزینه‌های درمان را بر فرد تحمیل می‌کند. در این حالت این پرسش مطرح می‌شود که مسئولیت فرد ناقل بیماری یا ویروس چیست؟ در پاسخ به این پرسش، سه نظر از سوی فقهای معاصر شیعه ارائه شده است:

الف) برخی بر فرض عمدی بودن انتقال ویروس، معتقدند که حکم ایراد صدمه عمدی را دارد (ر.ک: آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۷۹)؛ یعنی حکم آن قصاص مادون نفس است اما به جهت عدم امکان قصاص، دیه جایگزین قصاص می‌شود.

ب) نظر بعضی نیز بر این است اگر بیماری مهار شود و منجر به قتل نگردد ناقل ویروس باید در برابر نقصان‌های حاصله ارش بدهد (ر.ک: آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۷۹ و ۸۱۲۱).

ج) عده‌ای از فقها معتقدند که فرد ناقل ویروس ضامن عیب و نقص ایجاد شده در فرد منتقل‌الیه و مخارج دوره بیماری وی است (ر.ک: آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۸۱۲۱ / آیت‌الله العظمی سید عبد الکریم موسوی اردبیلی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۷۹).

گفتنی است موضع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ایجاد صدمه کمتر از قتل، همان است که در قتل بیان شده است؛ زیرا در مواد مورد اشاره تعبیر جنایت بکار رفته است که شامل قتل و کمتر از آن می‌شود.

همچنین فروض مختلف مطرح شده درباره قتل ناشی از انتقال بیماری یا ویروس واگیر، در صدمات کمتر از نفس ناشی از انتقال بیماری یا ویروس واگیر نیز صادق و حکمش همان است.

۳. فوت شخص ناقل پیش از فوت منتقل‌الیه

از آنجاکه در چنین مواردی امکان دارد در فاصله انتقال بیماری یا ویروس فرد ناقل بیماری یا ویروس فوت کند؛ براین اساس این پرسش پیش می‌آید که آیا با فوت او پرونده بسته می‌شود یا مسئولیت تبدیل می‌گردد. سه نظر در این باره میان فقهای معاصر بیان شده است:

الف) اگر استناد محقق باشد در فرض انتقال عمدی یا شبه‌عمدی ویروس، دیه باید از مال ناقل پرداخت شود و در فرض خطای محض، دیه بر عهده عاقله است (ر.ک: آیات عظام محمدتقی بهجت، سیدعلی سیستانی، سید عبد الکریم موسوی اردبیلی و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۹۲).

ب) نظر دیگر بر این است در فرض عمدی بودن انتقال ویروس، حکمش قصاص است که با فوت ناقل، قصاص منتفی گردید و در فرض شبه‌عمدی، دیه در مال ناقل و در فرض خطای محض، دیه بر عاقله می‌باشد (ر.ک: آیات عظام لطف‌الله صافی گلپایگانی و محمد فاضل لنکرانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۹۲).

ج) در هر سه فرض عمد، شبه‌عمد و خطای محض دیه از اموال ناقل پرداخت می‌شود (ر.ک: آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۹۲).

ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره اثر مرگ مرتکب در تغییر مسئولیت در جنایت عمدی مقرر داشته است:

۲۱۷

هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیرقتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیرقتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی‌علیه محفوظ است، ولی باید پیش از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

عدم دسترسی به مرتکب به علت مرگ در این ماده شامل مرگ مرتکب قبل فوت مجنی‌علیه و بعد از آن، هر دو می‌شود؛ بنابراین در مسئله مورد بحث، دیه از اموال مرتکب و اگر اموالی نداشته باشد، از عاقله او و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

اما در صورتی که انتقال ویروس مصداق جنایت شبه‌عمدی باشد و مرتکب پیش از مجنی‌علیه فوت کند، ماده ۴۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: در جنایت شبه‌عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت

می‌شود.

همچنین در صورتی که انتقال بیماری یا ویروس مصداق جنایت خطای محض باشد و مرتکب پیش از مجنی‌علیه فوت کند، ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است:

در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد، دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. ظاهراً نظر قانونگذار در این مسئله با هیچ‌یک از سه نظریه فقهی مطرح شده تطبیق کامل ندارد.

۴. مبانی نظرات فقهی

فقه‌های شیعه با توجه به اعتقاد به بازبودن باب اجتهاد مبتنی بر اصول و موازین پذیرفته شده در مکتب اهل بیت، بر اساس دو مبنا درباره مباحث مطرح پیرامون مسئولیت کیفری ناشی از انتقال بیماری واگیر یا ویروس اظهار نظر کرده‌اند؛ یکی مبنا اصل مسئولیت و دیگری مبنا نوع مسئولیت.

۴.۱. مبنا اصل مسئولیت

درباره اصل مسئولیت داشتن فرد در جنایت سه مبنا در فقه شیعه مطرح شده است (ر.ک: علیدوست و بای، ۱۳۹۱، ص ۴۸-۱۰۵):

نخست: مبنا نخست عدم جواز عمل است. بر این اساس اگر عمل انجام شده از سوی دیگری که باعث زیان یا صدمه‌ای شده است مجاز نباشد، این عمل ضمان‌آور است و مسئولیت ایجاد می‌کند (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۴۹ / شیخ طوسی، [بی تا]، ص ۷۶۱ / محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۳۲ و ۲۳۷ / شهید ثانی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۶۱-۳۶۲). مستند فقها (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۸ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۴۰۷ / خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۹) در این نظریه

روایات است که از آن جمله روایت معتبر (ر.ك: خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۹ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷، ص ۴۷) سه‌عه است:

قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْفِرُ الْبُئْرَ فِي دَارِهِ أَوْ فِي أَرْضِهِ فَقَالَ أَمَا مَا حَفَرَ فِي مَلِكِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَأَمَا مَا حَفَرَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ فِي غَيْرِهَا يَمْلِكُ فَهُوَ ضَامِنٌ لِمَا يَسْقُطُ فِيهِ: می‌گوید: از امام پرسیدم درباره [مسئولیت] کسی که در خانه‌اش یا زمین خود چاهی حفر می‌کند [و دیگری در آن سقوط می‌کند]. امام فرمود: اما چاهی که در ملکش حفر می‌کند، بر او ضمانی نیست و اما چاهی که در راه مردم یا غیر ملکش حفر می‌کند، پس او نسبت به آن که در آن سقوط می‌کند، ضامن است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۲۹-۲۳۰).

در این روایت مبنای مسئولیت، جواز عمل و عدم آن قرار داده شده است.

دوم: مبنای دیگر، تعدی یا تفریط است. برابر این مبنا اگر فرد در رفتار خود مرتکب

تعدی یا تفریط شده باشد و این رفتار باعث خسارت یا صدمه به دیگری گردد، دارای مسئولیت و ضامن است (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۴۸ / شیخ طوسی، [بی‌تا]، ص ۷۶۱ / علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۵۳ / اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۴۸۶ / خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۶۸ / سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۴۱-۱۴۲). فقها در این مبنا به روایاتی استناد کرده‌اند (ر.ك: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۳۵-۱۳۶ / خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۲۰۸-۲۰۹ / خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲) که از آن جمله است روایت صحیح (ر.ك: خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۱) حلبی از امام صادق:

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى طَرِيقٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَتُصِيبُ دَابَّتَهُ إِنْسَانًا بِرِجْلِهَا؟

فَقَالَ: «لَيْسَ عَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِرِجْلِهَا وَلَكِنْ عَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِيَدِهَا؛ لِأَنَّ رِجْلَهَا خَلْفَهُ إِنْ رَكِبَ وَ إِنْ كَانَ قَائِدَهَا، فَإِنَّهُ يَمْلِكُ بِإِذْنِ اللَّهِ يَدَهَا يَضَعُهَا حَيْثُ يَشَاءُ: از امام صادق پرسیدم درباره کسی که از راه مسلمانان [عمومی] عبور می‌کند و پای حیوانش به انسانی برخورد می‌کند [آیا مسئولیتی دارد؟]

امام فرمود: صدمه‌ای که حیوان با پایش ایجاد می‌کند، مسئولیت آن با صاحب حیوان

نیست، ولی صدمه‌ای که حیوان با دستش ایجاد می‌کند، مسئولیت آن با صاحب حیوان است؛ زیرا اگر فرد سوار بر حیوان باشد پای حیوان پشت سر اوست [و او تسلطی بر آن ندارد] و اگر حیوان را پشت سر خود می‌کشد، پس او به اذن خداوند تسلط بر دست حیوان دارد و آن را جایی که می‌خواهد، قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۴۸۴).

به عبارت دیگر کسی که حیوان را هدایت می‌کند آنجاکه در هدایت آن کوتاهی کند مسئول صدمه‌ای است که حیوان ایجاد می‌کند. پس کسی که در انجام وظیفه‌اش کوتاهی یا افراط و تفریط نماید مسئول حادثه‌ای است که به این جهت به وجود می‌آید. سوم: مبنای سوم انتساب است. بر طبق این مبنا چنانچه میان رفتار و خسارت یا صدمه ایجاد شده رابطه استناد عرفی برقرار گردد، مرتکب رفتار ضامن خسارت و مسئول صدمه می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۶۴ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۹۷ و ۱۲۲ / سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۳۹-۱۴۰ و ۱۵۵ / خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۰-۳۲۱ / حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۳۵-۴۳۶ / موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۸-۴۰). این مبنا نیز مستند روایی دارد که فقها (ر.ک: محقق حلّی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۲ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۶-۴۷ / خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۰-۲۷۱) به آن استناد جسته‌اند از جمله روایت معتبر (ر.ک: خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۰) سکونی از امام صادق که فرمود:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ : مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّرَ، فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ: امیر مؤمنان فرمود: کسی که طبابت یا بیطاری می‌کند باید از ولی فرد [یا مالک حیوان] براءت اخذ کند وگرنه ضامن است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۵۱۸).

مبنای این ضمان استناد صدمه به اوست که اخذ براءت او را از مسئولیت معاف می‌کند.

از این رو فقهای معاصر شیعه بر اساس مبانی گفته شده درباره مسئولیت کسی که دیگری را به بیماری یا ویروس خطرناک مانند کرونا یا کشنده مانند ایدز آلوده می‌کند، اظهار نظر کرده‌اند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از مبنای سوم پیروی کرده است و معیار مسئولیت را استناد قرار داده و در ماده ۴۹۲ مقرر داشته است:

جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود. و در ماده ۵۲۶ نیز مقرر داشته است:

هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

۲۲۱

قانونگذار پذیرش همین مبنا را در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۱۲۵، ۳۳۰، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۳ و ۵۳۷ نشان داده است و - چنان‌که گذشت - در همین ارتباط بحث فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و تحقق جنایت را نیز مانع ندانسته و با تمثیل به انتقال عامل بیماری موضع خودش را کاملاً روشن در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است.

گفتنی در مجموعه مقررات کیفری ایران، قانونی به نام "قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار" مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ وجود دارد که شامل انتقال ویروس کشنده نمی‌شود؛ زیرا این قانون دو فصل دارد؛ فصل اول مربوط به بیماری‌های آمیزشی است که اگرچه عنوان آن عام است ولی در تبصره ماده یک این قانون، این بیماری‌ها در بیماری سوزاک، کوفت (سیفلیس) و آتشک (شانکر نرم) احصا گردیده است؛ بنابراین شامل ایدز و مانند آن نمی‌شود. فصل دوم این قانون نیز اختصاص به بیماری‌های واگیر دارد که اگرچه این عنوان نیز عام است ولی در ماده ۱۹، این بیماری‌ها نیز به بیماری «وبا و اسهال‌های وبایی شکل»، «عون»، «تب زرد»، «مطبقه (تیفوئید)»، «محرقة (تیفوس اگزانتما تیک)»، «آبله»، «مخملک»، «سرخجه»، «خناق (دیفتری)»، «اسهال خونی»، «سرسام واگیر (مننژیت سربرواسپینال)» و «تب عرق‌گز

(سوئت می‌لی‌یر)» و در تبصره ماده ۱۹ به بیماری سیاه سرفه، جذام، باد سرخ، ورم غده بناگوش، سل سینه، گریپ، ذات‌الریه (پتومونی)، تراخم، سیاه زخم و تب راجعه (تیفوس رکورانت) محدود شده است. البته در اصلاح قانون مذکور در ۱۳۴۷/۸/۳۰ بیماری‌های مالاریا، فلج اطفال و تب مالت به بیماری‌های مذکور در ماده ۱۹ و بیماری‌های آبله‌مرغان، هیپاتیت‌های ویروسی و مسمومیت غذایی به بیماری‌های مذکور در تبصره این ماده افزوده گردید که این توسعه نیز شامل ویروس کشنده‌ای مانند ایدز نمی‌شود.

۴.۲. مبنای نوع مسئولیت

در پی سخن گفتن از مسئولیت مرتکب این رفتار، این پرسش به ذهن راه می‌یابد که چه نوع مسئولیتی متوجه فرد ناقل بیماری می‌شود. در متون فقهی شیعه جنایات به جنایت عمدی، جنایت شبه‌عمدی و جنایت خطای محض تقسیم شده است؛ جنایت عمدی، جنایتی است که مرتکب آن هم رفتار و هم جنایت را قصد کرده است یا رفتاری را قصد کرده است که مثل آن غالباً باعث جنایت می‌شود. جنایت شبه‌عمدی، جنایتی است که مرتکب آن فقط رفتار را قصد کرده است و قصد جنایت نداشته است؛ البته رفتاری که مثل آن غالباً باعث جنایت نمی‌شود. جنایت خطای محض، جنایتی است که مرتکب آن هیچیک از رفتار و جنایت واقع شده را قصد نکرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۳-۴ / نیز ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۳۴ / شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۱۵ / محقق حلّی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۸).

بر اساس این تقسیم‌بندی در جنایت که مورد پذیرش فقهای شیعه در تمام ادوار فقه شیعه بوده است، فقها در مواجهه با نوع مسئولیت انتقال بیماری واگیر یا ویروس خطرناک به دیگری، رفتار او را با توجه به علم، اطلاع، توجه و قصدش، جنایت عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض دانسته‌اند.

۵. اثبات اتهام

آنچه تاکنون بحث کردیم مربوط به مرحله ثبوت این مسئله بود، اما صرف نظر از اینکه در مرحله ثبوت چه موضعی اتخاذ کرده باشیم، این بحث مطرح است که به فرض امکان انتساب آسیب به فرد ناقل و ایجاد مسئولیت برای او در مرحله ثبوت و نظر، آیا امکان اثبات آن در مرحله اثبات و عمل و دادگاه وجود دارد؟ به نظر می‌رسد اثبات این انتساب و مسئولیت در مرحله عمل و دادگاه، دست‌کم در انتقال برخی ویروس‌ها مانند کرونا، بسیار سخت و چیزی شبیه به محال باشد و به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با اثبات جنایت در موارد دیگر نیست؛ برای مثال در جرم قتل عمد از طریق ضرب و جرح با رفتار غیرکشنده برای اثبات قتل عمد، نیاز به احراز و اثبات قصد قتل داریم که دستیابی به آن سخت است، اما با اقرار قاتل یا گفته‌های او هنگام درگیری قابل احراز و اثبات است یا اثبات قتل غیرعمد با احراز و اثبات صدور رفتار باعث جنایت از متهم قابل دستیابی است، ولی در مسئله انتقال ویروسی؛ چون کرونا به جهت ویژگی‌هایی که این ویروس و انتقال آن دارد، اصل انتقال از متهم و عمد و غیرعمد آن قابل احراز و اثبات نیست؛ زیرا اول اینکه متخصصان می‌گویند این ویروس می‌تواند تا دو هفته درحالت کمون باشد و هیچ علامت ظاهری نداشته باشد؛ بنابراین امکان دارد فرد متوفی پیش از مواجهه با متهم دارای این ویروس بوده ولی علائم آن تا این زمان در او ظاهر نشده باشد. دوم اینکه بر اساس همین نظر تخصصی امکان دارد متوفی در ایام ملاقات با متهم و آشکار شدن ابتلا یا حتی پیش از آن با فرد دیگری که دارای این ویروس بود و علائم ظاهری نداشته ارتباط داشته و ویروس از او به وی منتقل شده باشد یا ویروسی که از متهم گرفته باعث مرگ او نشده و ویروسی که بعداً از دیگری گرفته باعث مرگ او شده باشد. سوم اینکه بر اساس نظر متخصصان ویروس کرونا می‌تواند تا مدت زیادی، از چند ساعت تا چند روز روی سطوح مختلف زنده بماند؛ بنابراین امکان دارد در این فاصله، متوفی از طریق تماس با سطوح پیرامونش گرفتار ویروس شده باشد. چهارم اینکه طبیعی است متوفی در این فاصله مسلماً با افراد مختلفی ارتباط داشته است شاید این ویروس از ارتباط با غیرمتهم به او منتقل شده باشد و... تمامی این احتمالات باعث می‌شود نتوان شخص متهم را عامل انتقال ویروس

شناخت و محکوم کرد.

نتیجه

بر پایه منابع و نظرات فقهی و حقوقی مسئولیت ناشی از انتقال بیماری یا ویروس خطرناک مانند کرونا یا ایدز به دیگری، به مثابه ایراد صدمه به دیگری است و تحقق رابطه انتساب ممکن می‌باشد و بر اساس معیار و تعریف جنایت عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض در فروض مختلف مسئله، رفتار فرد ناقل می‌تواند جنایت عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض شناخته شود. نقش عناصری چون علم ناقل از آسیب‌زا بودن بیماری یا ویروس، اطلاع او از ابتلای خود بیماری یا ویروس و امکان یا عدم امکان درمان تأثیری در اصل رابطه انتساب ندارد و فقط در نوع مسئولیت تأثیر دارد. البته اقدام فردی که بیماری یا ویروس به انتقال می‌یابد، با شرایطی می‌تواند این رابطه انتساب را قطع کند. اگرچه در مسئله مسئولیت ناشی از تعرض به تمامیت جسمانی افراد سه مبنای عدم جواز عمل، تعدی یا تفریط و انتساب در فقه امامیه وجود دارد، ولی قانونگذار در قانون مجازات اسلامی از مبنای سوم؛ یعنی رابطه انتساب پیروی کرده است و بر اساس نوع جنایت از عمد، شبه‌عمد و خطای محض فرد ناقل را مسئول می‌داند، ولی اثبات رابطه انتساب در مقام دادرسی در مسئله مسئولیت ناشی از ویروسی مانند کرونا، امری بسیاری سخت و تقریباً نشدنی است.

۲۲۴

منابع

۱. احسان پور، سیدرضا؛ «ایدز و حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی؛ ش ۵، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۳۷ - ۱۶۸.
۲. اصفهانی، محمدبن حسن؛ کشف اللثام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳. بهجت، محمدتقی؛ استفتانات؛ قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت، ۱۴۲۸ق.
۴. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح؛ العناوین الفقهية؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف؛ قواعد الأحكام؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶. حلّی (محقق حلّی)، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام؛ ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۷. خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیله؛ قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، [بی تا].
۸. خوانساری، سید احمد؛ جامع المدارک؛ ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
۹. خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: انتشارات لطفی، ۱۴۰۷ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۲۲ق.
۱۱. سبزواری، سید عبدالأعلى؛ مهذب الأحكام؛ ج ۴، قم: نشر دفتر معظم له، ۱۴۱۳ق.
۱۲. شبیری زنجانی، سید موسی؛ «اهدای عضو توسط محکومان به اعدام»، مندرج در: www.islamquest.net، کد بایگانی: ۶۹۳۵۸.
۱۳. طباطبایی، سید علی؛ ریاض المسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۱۴. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن؛ المبسوط؛ ج ۳، تهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق.

۱۵. طوسی (شیخ طوسی)، محمدبن حسن؛ **النهاية**؛ قم: انتشارات قدس محمدی، [بی تا].
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن؛ **تهذیب الأحكام**، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ **مسالك الأفهام**؛ قم: نشر مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. عکبری (شیخ مفید)، محمدبن محمدبن نعمان؛ **المقنعة**؛ چ ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. علیدوست، ابوالقاسم و حسینعلی بای؛ «معیار ضمان»، **فقه اهل بیت**؛ ش ۷۰-۷۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱، ص ۴۸ - ۱۰۵.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد؛ **احکام پزشکان و بیماران**؛ [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب؛ **الکافی**؛ قم: دارالحدیث للطباعة والنشر، ۱۴۲۹ ق.
۲۲. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا؛ **کتاب الديات**، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ **احکام پزشکی**؛ قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۹ ق.
۲۴. منتظری، حسینعلی؛ **احکام پزشکی**؛ چ ۳، قم: نشر سایه، ۱۴۲۷ ق.
۲۵. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ **استفتاات**؛ قم: انتشارات نجات، ۱۳۷۷.
۲۶. موسوی بجنوردی، سیدحسن؛ **القواعد الفقهية**؛ چ ۱، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. نجفی، محمدحسن؛ **جواهر الکلام**؛ چ ۶، تهران: نشر کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. هاشمی زاده، زهرا؛ «ایدز»، **مندرج در**: <http://namazi.sums.ac.ir>، زمستان ۱۳۸۶.